

## حرف حساب

## دل‌بستن به فال یا پیوستن به حال حافظ!



■ **رضا اسماعیلی/شاعر**

و پژوهشگر بیشکسوت

ما در آینه غزل‌های روشن حافظ، سیمای آرمانی خودمان را به تماشای می‌نشینیم، سیمای آرمانی انسانی که باید باشیم و اکنون نیستیم، با این همه، حضرت لسان‌الغیب حافظ شیرازی، به رغم شهرت و آوازه بی‌ظنیری کسه در بین ما ایرانیان دارد، از منظر سلوک و رفتارشناسی دینی، همچنان شاعری گمنام و ناشناخته‌است، زیرا ما پیش و بیش از آنکه دل‌بسته کلام و مرام حافظ باشیم، دل‌بسته نام و آوازه حافظ شیرازیم و به دیوان حافظ نیز بیشتر به چشم یک «فال‌نامه» نگاه می‌کنیم تا یک «حال‌نامه».

بیا باید صادقانه از خودمان بپرسیم: «به راستی ما امروز حافظ را چقدر می‌شناسیم و از حافظ چه می‌فهمیم؟»، جز اینکه دیوان غزلیات او را همچون یک کالای لوکس و تجملی در آغوش اتاق‌مان گذاشته‌ایم و هر از گاهی-در ایام عید نوروز و شب یلدا از جناب حافظ می‌خواهیم که همچون فالگیری کوچه گرد برای‌مان غیب‌گویی کند، بگذریم.

باید صادقانه و بسا فروتنی تمام اعتراف کنیم که ما حافظ و جغرافیای فرهنگی او را نمی‌شناسیم یا حافظ‌را آن گونه که خود دوست داریم و می‌پسندیم، می‌شناسیم. حافظی که بسا حافظ واقعی فرسنگ‌ها فاصله دارد! اگر ما حافظ را می‌شناختیم و به اموه‌های انسانی و اخلاقی او عمل می‌کردیم، امروز به مراتب وضع بهتری داشتیم. حافظ آینه بی‌غباری است که ما در آن سیمای «من آرمانی» خودمان را با حسرت به تماشای‌نشسته‌ایم؛ انسان کاملی که دیگر امروز نیست و زیر آوار تاریخ مدفون گشته‌است.

حافظ سیمای آرمانی انسانی است که دوست داریم شبیه او باشیم، ولی -به هر علت- نیستیم؛ انسانی بکتا پرست، آزاداندیش، صلح‌دوست، حقیقت‌جو، عدالت‌خواه، سالوس‌ستیز، وارسته، کریم، راستگو، مردم‌دار، مروت‌کیش و مداران‌دیش.

آرزوی می‌کنم «طرحی نو در اندازیم» و به جای دل‌بستن به «فال حافظ» که تفتنی بیش نیست، به دنبال پیوستن به «حال حافظ» باشیم.

## رویداد



رضا اسماعیلی

## دوره‌می فیلمسازان بومی در جشنواره فیلم اقوام ایرانی

جشنواره فیلم اقوام ایرانی یک رویداد ملی سینمایی است که برای اولین‌بار در تاریخ سینمای ایران، موضوع اقوام ایرانی را در دستور کار خود قرار داده‌است.

قائم‌مقام نخستین جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی در آستانه برگزاری این رویداد درباره آن توضیح داد: هدف اصلی جشنواره این است که حاصل کار فیلمسازان مشغول در حوزه اقوام که در گوشه و کنار ایران زندگی می‌کنند، بیشتر و بهتر دیده شود. به عنوان مثال یک فیلمساز کرد که تا امروز تجربه‌هایی داشته و فنون نمایشی عرضه آن پیدا نکرده‌است، این فرصت را پیدا می‌کند، همین‌طور فیلمسازان بلوچ، لر، گیلکی، ترکمن، عرب، ترک و هر قومیت دیگری.

فرید حیدری ادامه داد: هنرمندان همه اقوام ایرانی این فرصت را پیدا می‌کنند تا آثار خود را در این رویداد ملی به نمایش بگذارند. این فیلم‌ها هم قطعاً آثاری مرتبط با فرهنگ، آیین، سبک زندگی و جاذبه‌های گردشگری اقوام خواهد بود، یعنی فیلمسازان بومی مناطق در قالب فیلم مستند، داستانی، نمادنگ یا انیمیشن، اثری را تولید کرده‌اند و در این رویداد به نمایش می‌گذارند.

وی ادامه داد: در کنار مسائل مادی و اقتصادی مهم‌ترین خواسته و دغدغه یک فیلمگر این است که وقتی برای یک اثر زحمت می‌کشند و آن را به تولید می‌رساند، آن اثر دیده شود و مردم آن را ببینند. هنرمند می‌خواهد تفکر و باوری را که در قالب یک فیلم به تصویر درآورده‌است، دیگران هم ببینند، به همین دلیل چنین رویدادی هم می‌تواند به کشف استعداد در میان فیلمسازان اقوام منتهی شود و هم بهترین بستر برای نمایش ساخته‌های این فیلمسازان است.

قائم‌مقام جشنواره فیلم اقوام ایرانی درباره تعامل این رویداد با سینماگران مطرح هم گفت: دبیری این رویداد را کمال تبریزی به عنوان یکی از مطرح‌ترین فیلمسازان سینمای ایران بر عهده دارد. در بخش هیئت‌های انتخاب و داوری یا در قالب کارگاه‌های تخصصی این رویداد هم حضور چهره‌های مطرح سینمای ایران بهره خواهیم گرفت که متعاقباً معرفی می‌شوند. تمام سعی ما این است که از ظرفیت هنرمندان بنام و مطرح سینما نهایت استفاده را ببریم. بسا خیلی از استادان و هنرمندان هم مذاکراتی داشته‌ایم که ان‌شاءالله در روزهای آتی به مرور درباره همراهی آنها اطلاع‌رسانی خواهیم کرد. کم‌اینکه فرهاد قائمیان به عنوان یکی از بازیگران مطرح، در مقام مشاور در کنار این رویداد حضور دارد.

### نوید پارسا

خبر تمایل رسانه ملی برای بازپخش چهار سریال از تولیدات نمایش خانگی نشان می‌دهد تلویزیون به درستی ترجیح می‌دهد با نیم‌نگاهی به ظرفیت‌های این حوزه از آن سود ببرد. امروزه دیگر نمی‌توان تجربه و توانمندی شبکه نمایش خانگی در تولید آثار نمایشی را انکار کرد یا نادیده گرفت. خبر احتمال پخش چهار سریال نمایش خانگی از تلویزیون از این حکایت‌دار در یک برخلاف برخی تحلیل‌ها که شکاف میان این دو جریان تولید را انتظار می‌کشید، کفه تعامل و همکاری بین این دو سنگین‌تر است.

■ ■ ■

سعید مقیسه به تازگی از احتمال پخش چهار سریال شبکه نمایش خانگی از تلویزیون خبر داده و عنوان کرده‌است این سریال‌ها برای طی مراحل اداری و حقوقی به صداوسیما معرفی شده‌اند و بعد از قطعی شدن قرار است از شبکه‌های تلویزیونی پخش شوند. رئیس سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی (ساترا) در پاسخ به سوآلی مبنی بر آخرین وضعیت بازپخش سریال‌های شبکه‌نمایش خانگی از شبکه‌های تلویزیونی به اینستاگفت: هر سریالی که بتواند به‌اولویت‌های محتوایی تعیین‌شده در اسناد بالادستی توجه کند، کاندیدای پخش از تلویزیون است. هم‌اکنون برخی تولیدات سکوه‌ای نمایش خانگی توجه خوبی به اولویت‌های محتوایی کشور دارند و چهار سریال که متعلق به سه رسانه‌نماوا، اپرا و فیلم‌نت است، برای طی مراحل اداری و حقوقی به صداوسیما معرفی شده‌است که بعداز قطعی‌شدن نام سریال‌ها نیز اعلام خواهد شد. به گفته‌وی برای اینکه یک سریال نمایش خانگی از تلویزیون پخش شود، لازم‌است مسیر مربوط به خرید کپی‌رایت یا توافق با سکوی ناشر به‌طور کامل طی‌شود تا بعدا باعث ایجاد چالش در روابط صناد و سوسیما و سکوها نشود.

## نقدفیلم

### افشین علیار

اگر چه قضاوت برای فصل دوم سریال زخم‌کاری پس از شش قسمت شاید زود باشد اما نکته مهم و حائز اهمیت این است که این سریال هرگز نتوانسته در این شش قسمت حتی درهای از جذابیت فصل اول را به همراه داشته باشد، انتظار این بود که مهدویان بتواند در فصل دوم هم از عناصر درام برای خلق جذابیت موضوعی در ست و منسجم استفاده کند اما تا اینجا با یک قسه کم‌جان و لاغر مواجهیم که اساساً کشش لازم را برای جلو بردن سریال ندارد. انگار فقط یک ایده از قسمت اول آمده و همه چیز در یک حالت ایستایی قرار دار، در این سطحی بودن باعث شده‌است زخم‌کاری در فصل دوم نتواند مخاطب را با خود همراه کند.

اگر چه در فصل اول حضور پررنگ مالک و اتفاقات درون ژانری برای بیننده جذابیت مضمونی داشته‌اما در فصل دوم حضور مکث به عنوان کاراکتر اصلی آسیب جدی به خط روایی وارد کرده‌است. در وهله اول این آسیب را می‌توانیم به نوع بازی بازیگر نقش میثم مربوط بدانیم که بسیار مصنوعی و الکن بازی می‌کند. اضافه‌کنید که در بعضی سکانس‌ها کابوسی دیدن میثم با حضور آن دخترک فال‌فروش، همان پردازش شخصی مالک در فصل نخست است و از سوی دیگر به هیچ وجه نمی‌توانیم میثم را به عنوان یک کاراکتر اصلی بپذیریم چراکه نوع پردازشی که در شخصیت او شده نمی‌تواند متقاعدکننده باشد. مانند نزدیک شدن او به شیدا که به شدت از نظر خلق کاراکتر میثم دور از انتظار است، حتی طلوعی هم نمی‌تواند به یک کاراکتر تبدیل شود. نوع بازی کامییز درریاز در نقش طلوعی آنقدر مصنوعی است که حتی نوع دیالوگ‌گویی او ما را به یاد فیلم‌های تاریخی می‌اندازد، بنابراین دو نقش اصلی سریال به دلیل انتخاب‌های اشتباه باعث ضعف سریال شده‌است، سمیرا هم تا اینجا نقشی مهمی نداشته و پرخاشگرگی‌هایش بی‌منطق شده‌است و هیچ شباهتی به کسی که شوهر و دخترش را از دست داده ندارد. اضافه شدن شخصیت‌های جدید تا اینجا کمک چندانی به سریال نکرده بلکه انگار فضای سریال را شلوع کرده‌است، بنابراین منطبق روایی و شکل‌گیری قسه در فصل دوم به دلیل حضور کم‌رنگ مالک باعث افت شدید سریال شده‌است. اضافه‌کنید که گاف‌های بیش از حدی هم در سریال دیده می‌شود، مانند زنده بودن مالک در تابوت و سکانس لوکیشن فرستادن مالک برای دستمالچی! اینکه چطور گوشی را از جیب مالک برداشتند و اینکه او توانسته در تابوت زیر خاک موبایلش را روشن کند و وی‌بی‌ان را وصل کند و لوکیشن بفرستد، از عجایب این سریال است که تبدیل به



## گزارش

# نمایش خانگی و تلویزیون فاصله‌ها را کم می‌کنند



### نمای نزدیک

سعید مقیسه به تازگی از احتمال پخش چهار سریال شبکه نمایش خانگی از تلویزیون خبر داده و عنوان کرده‌است این سریال‌ها برای طی مراحل اداری و حقوقی به صداوسیما معرفی شده‌اند و بعد از قطعی شدن قرار است از شبکه‌های تلویزیون پخش شوند.

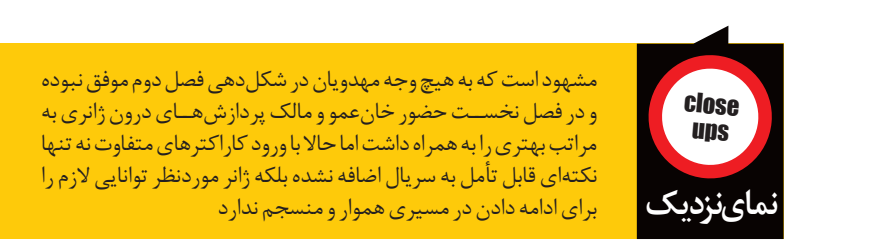
■ ■ ■

مقیسه در ادامه تأکید می‌کند: «در یک سال گذشته برخی تولیدکنندگان مجوزهایی برای تولید سریال و برنامه تلویزیونی از ساترا گرفته‌اند که امیدواریم با به ثمر رسیدن این تولیدات شاهد افزایش محصولات مناسب برای پخش توآمان از شبکه نمایش خانگی و شبکه‌های تلویزیونی باشیم».

چندی قبل رئیس سازمان صداوسیما اعلام کرده بود این سازمان آمادگی دارد سریال‌ها و برنامه‌های مناسب شبکه نمایش خانگی را تبلیغ و ترویج و تیزرهای آنها را پخش کند. جبلی تأکید کرده بود: «می‌توانیم حق پخش سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی سکوه‌ای نمایش خانگی را خریداری کنیم».

درباره چهار اثری که سعید مقیسه پخش آنها را از تلویزیون وعده داده‌است، برخی شنیده‌ها مصادیقی را نیز مطرح کرده‌اند، این در حالی است که هنوز به‌طور رسمی ذکری از نام این آثار مطرح نشده‌است. بار جوع به پلتفرم‌هایی که اسامی آنها در سخنان رئیس ساترا اعلام شده‌است، اپرا تاکنون تنها یک سریال اختصاصی به نام «سایه باز» داشته که پخش آن از ۱۹ مهر آغاز شده‌است. مجموعه‌ای که از قضا اولین سریال تاریخ نمایش خانگی به شمار می‌رود که خبر پخش آن از شبکه خبر تلویزیون اعلام شد. قرار است سه محصول دیگر از فیلم‌نت و نماوا، این فهرست را کامل کنند.

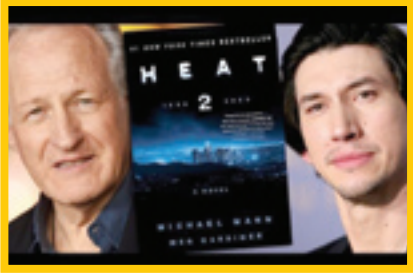
# «زخم کاری ۲» در دام خرده‌پیرنگ‌های بی‌حاصل



## نمای نزدیک

مقدمی ناخواسته شده‌است. این می‌تواند برای این سریال یک فائزتری باشد چراکه آنقدر دور از ذهن است که نمی‌شود آن را باور کرد، اضافه‌کنید که دستمالچی به عنوان یک مأمور اطلاعاتی چه لزومی دارد به مالک نزدیک شود و او را مخفی کند، فقط به این دلیل که بتواند به مقام بالاتر از طلوعی برسد! از سوی دیگر خرده‌پیرنگ‌ها در سریال تبدیل به حاشیه‌هایی شده که جهان سریال را آشفته و سرگردان کرده‌است.

بااینکه این سریال می‌توانست در فصل دوم ظرفیت جذابیت موضوعی داشته باشد اما به نظر می‌رسد مهدویان تمهیدات محتوایی را برای سریالش در نظر نگرفته یا تصور کرده‌است می‌تواند با همان المان‌ها و عناصر تکرارشونده فصل اول، فصل دوم را بسازد. مشهود است که به هیچ وجه مهدویان در شکل دهی فصل دوم



در قالب یک فیلم اقتباسی

## مایکل مان ساخت «مخمصه ۲» را تأیید کرد

مایکل مان، کارگردان «فراری» در سخنرانی خود در لندن تأیید کرد که فیلم بعدی‌اش «مخمصه ۲» خواهد بود.

مایکل مان، فیلمساز افسانه‌ای در پاسخ به این پرسش که آیا اقتباس از رمان «مخمصه» او، فیلم بعدی‌اش خواهد بود؟ گفت: بله. من و مگ گاردینر رمان «مخمصه ۲» را نوشتیم و درست زمانی منتشر شد که در حال فیلمبرداری «فراری» بودیم. باز خورد آن خیلی خوب بود و فیلم بعدی من با اقتباس از همین رمان ساخته می‌شود. ددلاین اوایل اسمال و پیش از شروع اعتصاب‌های هالیوود، فاش کرد که آدام درایور، بازیگر اصلی «فراری» در حال مذاکره است تا ایفای نقش نیل مک کاولی جوان؛ شخصیتی را که رابرت دنیرو در فیلم اول «مخمصه» بازی کرد، در فیلم دوم بر عهده بگیرد. مایکل مان در پاسخ به این پرسش که آیا می‌تواند دوباره با درایور در فیلم جدید همراه شود، خندید و گفت: شاید. ما درباره آن هنوز هیچ صحبتی نمی‌کنیم، اما می‌توانم بگویم که من و آدام در «فراری» باهم خوب کنار آمدیم. ما از اخلاق کاری که بسیار جدی است بهره داریم، هم‌دیگر را دوست داریم و از لحاظ هنری اوقات خوبی را سپری کردیم.

«مخمصه ۲» هم به عنوان پیش‌درآمد و هم دنباله فیلم اول عمل می‌کند و تصویرگر داستان مک کاولی، کریس شپهرلیس (با بازی اصلی وال کیلمر) و وینسنت هانا (در اصل آل پاجینو) در سال‌هایی است که به حماسه جنایی لس‌آنجلس ختم می‌شود. اتفاق‌هایی که برای شخصیت‌های بازیمانده در سال‌های بعد رخ می‌دهد هم در این رمان روایت شده‌است. خط داستانی رمان، خوانندگان را به شیکاگوی سال ۱۹۸۸ می‌برد، وقتی مک کاولی، شپهرلیس و دارودسته آنها در ساحل غربی، مرز آمریکا، مکزیک و در شیکاگو موفق هستند. در همان زمان، هانا به عنوان یک چهره در حال رشد در اداره پلیس شیکاگو در حال تحقیق یک باند خشونت‌آمیز متجاوزان به خانه‌هاست. این رمان به یکی از پرفروش‌ترین رمان‌های سال پیش نیویورک تایمز بدل شد. فیلم اصلی «مخمصه» که سال ۱۹۹۵ با برادران وارنر ساخته شد، فیلمی موفق بود که به یک فیلم کلاسیک جنایی محبوب طرفداران جهانی خود بدل شده‌است.

«فراری» مان، پروژه‌ای است که دو دهه ساخت آن مدنظر بود و در نهایت در جشنواره فیلم ونیز اسمال برای اولین بار اکران شد.



علیرام نورایی:

## جانم برای ایران در می‌رود

علیرام نورایی ایفای نقش در قالب یک شخصیت تاریخی ایرانی را به عنوان یکی از حسرت‌های بازیگری خود دانست و از «بتیم خانه ایران» به عنوان یکی از آثار مورد علاقه‌اش یاد کرد. او که این شب‌ها در سریال «محرمانه» با محوریت موضوع امنیت ملی از او در تلویزیون پخش می‌شود، درباره ایفای نقش در آثاری چون «گاندو»، «قلاده‌های طلا»، «بتیم‌خانه ایران»، «تسام‌رخ» و «محرمانه» که غرور ملی را برمی‌انگیزد، توضیح داده‌است.

من فکر می‌کنم کسانی که مرا می‌شناسند، می‌دانند که جانم برای ایران در می‌رود و وطن‌دوستی جزو اولویت‌های من است. به‌طور ویژه اتفاقات تلخی که در گذشته برای مردم کشورم افتاده دل‌م را زرده می‌کند و عجیب‌ترین و تلخ‌ترین آن اتفاقاتی بود که در فیلم «بتیم‌خانه ایران» تصویر شد.

فکر می‌کنم اگر قرار بوده کاری در سینما انجام دهم و بعد از آن پرونده سینمایی من بسته شود، آن کار بعد از «بتیم‌خانه ایران» بوده و همچنان امروز هم وقتی سکنس و پلای از آن فیلم می‌بینم، حال خودم دگرگون می‌شود. هستت ماه درگیر آن پروژه بودیم و حصال همه عوامل همین‌قدر متفاوت بود.

برخی دوستان کارهایی را بدون اینکه حتی زحمت بکشند، ببینند، مورد منفی‌بافی و قضاوت قرار می‌دهند. به‌ویژه در مورد «قلاده‌های طلا» این اتفاق افتاد و قبل از تدوین نهایی و دیدن کار موجهی برای تخریب این فیلم راه افتاد. به‌نظم دوستان باید کمی سعه صدر به خرج می‌دادند و بعد به سمت قضاوت می‌رفتند.

دغدغه‌نیزه‌های امنیتی گمنام حفظ جان و مال مردم است. این افراد بسیار عجیب هستند و به واسطه این پروژه‌ها با چند تن از این افراد برخورد داشته‌ام؛ کسانی که هم به لحاظ ظاهر و هم بی‌ادعا و گمنام بودن قابل تشخیص نیستند، اما دغدغه حفظ امنیت جان و مال مردم را دارند.

علاقه‌مننده و اثرآکنش هستم و بیش از آن کارهای تاریخی به‌ویژه کارهای مربوط به تاریخ کهن کشورم را دوست دارم. کارهای تاریخی را در کارنامه دارم، اما یکی از حسرت‌هایم ایفای نقش یک شخصیت تاریخی ایرانی است.